

نیومی کلاین

سرمایه داری علیه آب و هوا
همه چیز را زیر و رو می کند

ترجمه احمد عزیزی



سرشناسه: کلاین، ناومی، ۱۹۷۰ - Klein, Naomi. ● عنوان و نام پدیدآور: سرمایه‌داری علیه آب و هوا، همه چیز را زیر و رو می‌کند/ نیومی کلاین؛ ترجمه احمد عزیزی؛ ویراستار: شکوفه صمدی. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۹ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۹ ● مشخصات ظاهری: ۷۰۲ ص. ● شابک: 978-622-06-0291-0
● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: This Changes Everything: Capitalism Vs. The Climate, 2014. ● یادداشت: کتابنامه. ● موضوع: اقتصاد محیط زیست Environmental economics؛ سیاست محیط زیست - جنبه‌های اقتصادی Economic aspects - Climatic changes؛ سرمایه‌داری Capitalism ● شناسه افزوده: عزیزی، احمد، اقتصادي ۱۳۲۲ - مترجم. ● رده‌بندی کنگره: HCV۹ ● رده‌بندی دیویی: ۳۴۳/۷۳۸۷۴ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۴۷۲۶

قیمت: ۸۶۰۰۰ تومان



نشرنی

سرمایه‌داری علیه آب و هوا

همه چیز را زیر و رو می‌کند

نیومی کلاین

مترجم: احمد عزیزی

ویراستار: شکوفه صمدی

نسخه پرداز: شادی جاجرمی زاده

حروف نگار و صفحه‌آرا: اصغر قلی‌زاده

لیتوگرافی: باختر ● چاپ: غزال ● صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۹، ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۲۹۱-۰

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه: همه چیز به طبعی دگرگون می‌شود
۲۳	تکان‌های سی
۳۴	زمان‌بندی بسیار بد
۴۶	قدرت، نه تنها اثر می‌دهد
۴۸	ترک «انکار»

بخش یکم: زمان‌بندی بد

۵۵	۱. حق‌حق است
۵۵	توان انقلابی تغییر اقلیم
۶۵	واقعیت‌های باورنکردنی
۷۴	درباره پول
۷۷	برنامه «ب»: پول به جیب‌زدن به برکت جهانی رو به گرمایش
۸۶	وجه شیرین‌تر انکار
۸۸	تر و خشک کردن محافظه‌کاران
۹۴	نبرد جهان‌بینی‌ها
۱۰۱	۲. پول داغ
۱۰۱	بنیادگرایی بازار آزاد چگونه به گرمای مفرط زمین دامن زد
۱۰۸	بلندشدن تجارت روی دست آب‌وهوا

۱۱۳	فروریزی دیوار، اوج‌گیری گازها
۱۱۶	گسل میان تجارت و اقلیم
۱۲۲	معامله چکی: کار ارزان و انرژی ناپاک
۱۲۷	جنبشی که گور خود را می‌کند
۱۳۱	از توسعه جنون‌آمیز تا ثبات شرایط
۱۴۰	قد کشیدن اقتصاد مهرورز و شوررفتن اقتصاد بی‌خیال
۱۴۳	۳. همگانی و حساب‌شده
۱۴۳	چیرگی بر موانع ایدئولوژیک بر سر راه اقتصاد آینده
۱۵۲	بازاری و دایفرینی سپهر عمومی
۱۶۱	داختن از حبس آلاینده
۱۷۶	۴. برنامه‌ریزی و مع
۱۷۶	پشت دستی به دست‌آپید، نیادگذاری یک جنبش
۱۸۳	برنامه‌ریزی برای اشتغال
۱۸۷	برنامه‌ریزی برای انرژی
۱۹۷	درباره معجزه آلمان
۲۰۱	چگونگی «نه» گفتن
۲۱۹	نه «مسئله» که چارچوب
۲۳۰	۵. فراسوی استخراج محوری
۲۳۰	مواجهه درونی با منکران تغییر اقلیم
۲۴۲	مرز غایبی استخراج محوری
۲۵۱	چپ استخراج محور
۲۵۸	چند هشدار پشت گوش افتاده

بخش دوم: تفکر جادویی

۲۶۷	۶. میوه، نه ریشه
۲۶۷	همگرایی فاجعه‌بار بنگاه‌های بزرگ و سبزه‌های بزرگ
۲۸۱	عصر طلایی قانون زیست‌محیطی

۲۸۶	بزرگ تند و تیز دهه ۱۹۸۰
۲۸۹	سیاست اقلیمی و بهای تسلیم
۲۹۵	در جست و جوی راه برون رفت
۲۹۸	فرکینگ و تخریب پل های پشت سر
۳۰۴	تبادل آلودگی
۳۲۰	۷. ناجی بی ناجی
۳۲۰	ما ار دره ای سبز دستان را نخواهند گرفت
۳۲۴	یلپار درها و رویاهای برپا گرفته
۳۳۱	وعده ای که جز «نمود و نشانه» ای نبود
۳۴۵	راه دی برای نظارت گریزی
۳۵۴	۸. پایین کشیدن فتال از شد
۳۵۴	گره گشای آلودگی آلودگی است؟
۳۶۰	گرمايشی هولناک
۳۶۶	چه قدمی احتمالاً کج برداشت خواهد شد؟
۳۷۲	آتش فشان ها نیز، چون تغییرات آب و آبی، اهل تبعیض اند
۳۷۵	تاریخ، هم آموزگار و هم هشدار
۳۸۲	مهندسی زمین و دکتريش شوک
۳۸۴	هیولای زمین
۳۸۷	آیا ما واقعاً طرح A را محک زده ایم؟
۳۹۲	زمین از چشم فضا نوردان

بخش سوم: کشیدن ماشه به هر قیمت

۴۰۳	۹. بلوکادیا
۴۰۳	جنگاوران نوپای میدان اقلیم
۴۰۵	به «بلوکادیا» خوش آمدید
۴۱۸	عملیات تغییرات آب و هوایی
۴۲۴	همه در قربانگاه

- ۴۳۲ خفگی در منطقه دشمن
- ۴۴۳ عامل بی‌بی: اعتماد بی‌اعتماد
- ۴۵۰ آموخته و آبدیده در فاجعه
- ۴۵۷ بهره‌احتیاط
- ۴۵۹ ۱۰. این خانه را عشق نجات خواهد داد
- ۴۵۹ دموکراسی، برد و باخت‌ها، تاکنون
- ۴۶۷ عشق و آب
- ۴۷۱ بردهای پیشرس
- ۴۷۸ بخش‌گیری سرمایه: وداع با فسیل
- ۴۸۴ چرا: دموکراسی
- ۴۸۷ فراسر: دموکراسی‌هایی فسیل‌شده
- ۴۹۵ ۱۱. شما؟ با کدام سپاه؟
- ۴۹۵ حقوق بومی و قوت‌ایستادن بر سر حرفمان
- ۴۹۹ آخرین خط دفاعی
- ۵۰۷ زور در برابر حق
- ۵۱۰ احترام به پیمان‌ها
- ۵۱۶ بایستگی اخلاقی گزینه‌های اقتصادی
- ۵۲۰ ۱۲. شراکت در آسمان
- ۵۲۰ مشاعات جوی و توان ادای دیونمان
- ۵۲۶ آفتابی‌شدن خورشید
- ۵۳۵ نه فقط واگذاری سرمایه، که بازسرمایه‌گذاری
- ۵۴۳ از دیون محلی تا جهانی
- ۵۵۰ تغییر موازنه
- ۵۵۷ ۱۳. حق باززایی
- ۵۵۷ از استخراج تا نوسازی
- ۵۶۳ سقط جنین آبی
- ۵۶۷ کشوری برای مردان پابه‌سن گذاشته

۵۷۱	میراث بی پی و «مشت خالی»
۵۷۵	محو نوزادان در جهانی رو به گرمایش
۵۷۷	زمان آیش
۵۸۵	بازگشت به زندگی
۵۹۵	نتیجه گیری: سال های جهش
۵۹۵	زمانی فقط بسنده برای ناممکن ها
۶۰۵	کار ناتمام آزادسازی
۶۱۴	نهان، همه
۶۱۷	یادداشت ها

مقدمه

همه چیز به طریقی دگرگون می شود

پیش بینی تفکر استوار است، آب و هوایی بیشتر بر این فرض استوار است که اوج گیری دگرگونی های شش رو - انتشار گازهای گلخانه ای، افزایش دمای هوا و پیامدهایی چون بالا آمدن سطح آب دریا - به تدریج صورت می گیرد؛ تصاعد حجم معین گاز، سبب افزایش دما و آن هم در آب بالا رفتن تدریجی آب دریاها می شود. در پیشینه های زمین شناختی حوزه آب هوا با شواهدی وجود دارند که تغییری نسبتاً جزئی در یکی از اجزا سبب تغییرات ناگهانی در کل نظام آب و هوایی شده است. به عبارتی، رانش دمای جهان از آستانه ای معین چه با سبب دگرگونی های ناگهانی، پیش بینی ناپذیر و بالقوه برگشت ناپذیر باشد. جدائیات فراگیر و به شدت مخرب. در این وضعیت، حتی اگر هیچ گاز کربنیک نیز به جو اضافه نکنیم، فرایندهایی بالقوه ایست ناپذیر به جریان می افتد. این امر چنان است که آری رمزه فرمان آب و هوا ببرد و امکان مهار پیامدهای آن از دست خارج شود.

از گزارش انجمن امریکا پیش برد دانش^۱

بزرگترین انجمن جامع علمی در جهان (۲۰۱۱) (۱)

«من عاشق رایحه گازها هستم».

سارا پالین^۲، ۲۰۱۱ (۲)

1. American Association of Advancement of Science

۲. Sara Palin: سیاستمدار و نویسنده آمریکایی، نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا، در کنار سناتور جان مک کین، م.

صدایی از بلندگو شنیده شد: «مسافران پرواز ۳۹۳۵، واشینگتن دی‌سی به مقصد چارلستون، کارولینای جنوبی، لطفاً با بار همراه‌شان از هواپیما پیاده شوند».

مسافران هواپیما با پایین‌رفتن از پلکان و جمع شدن روی باند پرواز، با رخدادی نامعمول مواجه شدند. چرخ‌های هواپیمای جت خطوط یو.اس. ایرویز در سطح سیاه‌رنگ باند، انگار در سیمانی تازه و خیس، فرو رفته بود. گودی زیر چرخ‌ها در حدی بود که ماشین مخصوصی که آمده بود هواپیما را بکسل کند، از پس آن برنیا. تصور مسئولان هواپیمایی این بود که کم‌کردن وزن سی و پنج مسافر هواپیما را به قدری سبک کند که به راحتی بیرون بیاید، که نکرد. یکی از مسافران از همان‌جا عکس از این صحنه را با شرحی روی اینترنت گذاشت: «پرواز من چرا لغو شده؟ چو هواپیمای واشینگتن این قدر داغ است که هواپیمای ما ۱۰ سانتی‌متر در کف باند پرواز فرو افتاد» (۳).

هرطور بود با یک سیر رسیدن به بزرگ‌تر و قوی‌تر هواپیما را بیرون کشیدند و با تأخیری سه‌ساعته پرواز کرد. سخنگوی خط هوایی نیز «دمای غیرعادی هوا» را عامل این رخداد اعلام کرد (۴).

دمای هوای در آن روز تابستان ۲۰۱۲ واقعاً به طرزی غیرعادی داغ بود (مثل سال‌های قبل و بعد از آن). در این رخداد اما رمز رازی در کار نبود: مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی؛ دقیقاً همان کاری که خط هوایی یو.اس. ایرویز، با همه مشکلات باند در حال ذوب شدن پرواز، قصد آن داشت. تاراج موجود - واقعیت نقش محوری سوزاندن سوخت‌های فسیلی در دگرگون‌سازی آب‌وهوا از سویی، و رودررویی همین آب‌وهوا با حد و ظرفیت ما در سوزاندن سوخت‌های فسیلی از سوی دیگر - نیز مانع دوباره بالا رفتن مسافران پرواز ۳۹۳۵ از پایانه هواپیما و ادامه مسیرشان نشد. در بازتاب‌های خبری این رخداد مهم نیز، هیچ اشاری به تغییرات آب‌وهوایی نبود.

من قصد داوری رفتار این مسافران را ندارم. همه ما، به هر حال، با سبک زندگی به شدت مصرف‌زده‌مان، هر جا که باشیم، به نوعی مسافر مجازی پرواز ۳۹۳۵ هستیم. فرهنگ ما، در سایه بحرانی که بقای ما را به مثابه یک «گونه‌ی [زیستی] تهدید می‌کند، دقیقاً به همان راهی می‌رود که این بحران نیز زاینده آن است - آن هم با صرف نیروی بیشتر و تقلای بالاتر! درست مانند تمهید همان خط هوایی در

به‌کارگیری وسیله‌ای قوی‌تر برای بیرون‌کشیدن هواپیما، اقتصاد جهانی نیز با جابه‌جا کردن منابع متعارف سوخت‌های فسیلی با سوخت‌هایی حتی ناپاک‌تر و خطرناک‌تر صرفاً خرج بیشتری روی دستمان می‌گذارد. استحصال قیر از ماسه‌های قیری آلبرتا^۱، نفت با حفاری در اعماق دریاها، گاز از راه ایجاد شکستگی‌های هیدرولیکی^۲ [فرکینگ]، زغال‌سنگ با انفجار کوه‌ها، و نظایر آن. در عین حال، هر فاجعه توفنده طبیعی خود زاینده نمودهای شگفت و نوپدید آب‌وهوایی است و اتفاقاً با همان صنایعی که بالاترین نقش را در گرمایش آن دارند نامهربان‌تر. نظیر سرب‌های بی‌سابقه ۲۰۱۳ در گلگری^۳ [کانادا] که توقف کار ادارات مرکزی شرکت‌های نفتی دست‌اندرکار استخراج ماسه‌های قیری آلبرتا را، در شرایط گیرافتادن قطار حامل محصولات اشتعال‌پذیر نفتی بر لبه پلّی در حال فروپاشی، گریزن‌ناپذیر ساخت و در کنار آن هزاران خانه‌هایشان کرد؛ یا خشکسالی گریبان‌گیر رود می‌سی‌سی‌پی، سالی قبل از آن که سطح آب آن را تا آن‌جا پایین آورد که شناورهای حامل نفت و زغال‌سنگ با چالش شدند روزها بی‌حرکت، چشم‌به‌راه یگان‌های مهندسی نظامی برای لایروبی، گدگانی تازه در آن بر جای خود بمانند (این یگان‌ها البته چاره‌ای جز استفاده از منابع مالی مختص بازسازی خرابی‌های سیل بی‌سابقه سال قبل از آن، در همان آبراه، نداشتند)؛ یا نیروگاه‌هایی با سوخت زغال‌سنگ در دیگر بخش‌های کشور که موقتاً دست از کار کشیدند به این علت که آبراه‌های مورد استفاده برای خنک‌کردن ماشین‌آلاتشان یا بسیر داغ شده بود، یا اصلاً آبی در آن‌ها نمانده بود، یا هر دو!).

این‌گونه زندگانی توأم با ناهماهنگی شناختی^۴ تنها لحظی از زندگی ما در این لحظه ناهنجار از تاریخ است که در آن بحرانی که خود، آگاهانه و علانیه، پشت

1. Alberta

۲. hydraulic fracturing (fracking): فراگرد حفاری زمین و تزریق مایعات در آن - با فشار زیاد - برای شکستن سنگ‌های موسوم به شیل (shale) و آزادکردن گاز طبیعی. به این روش «فرکینگ» نیز گفته می‌شود و در صفحات بعدی برای اشاره به این فراگرد، از اصطلاح «فرکینگ» استفاده خواهد شد. - م.

3. Calgary (Canada)

۴. cognitive dissonance: در دانش روان‌شناسی نوعی ناهنجاری و احساس ناخوشایند ناشی از شرایطی چون ایجاد هم‌زمان دو یا چند دیدگاه، عقیده، ارزش و یا اندیشه‌ای ناساز در فرد. - م.

گوش انداخته‌ایم بر چهره‌مان چنگ انداخته، و ما، با این همه، بر سر همان چیزی قمار می‌کنیم که درواقع علت اصلی این بحران است.

شرم دارم که بگویم من خود مدت‌ها منکر تغییرات اقلیمی بودم. البته که از آن باخبر بودم — برخلاف دانلد ترامپ^۱، یا دارودسته تی پارتی^۲، که صرف تداوم و تکرار زمستان را نشانه‌ای از دروغ بودن این حرف و حدیث‌ها می‌دانند، اما برای من تنها جزئیاتی از مسئله پوشیده بود. بیشتر خبرها در این باره را، خصوصاً آن‌هایی را که واقعاً سم‌آور و هول‌برانگیز بود، گذرا و سرسری می‌خواندم. با خود نیز می‌گفتم که علم خیلی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و مدافعان محیط زیست خود مسئله را به‌گونه‌ای حل خواهند کرد. مادامی که با کارت پرزرق‌وبرق «مسافران کثیرالسفر» خطوط هوایی در جیبم، و روآدم‌حسابی‌ها به‌شمار می‌آمدم، خیالم از این بابت راحت بود!

خیلی آسان به این تغییرات بی‌توجهیم. دمی دلشوره و دغدغه‌ای به جانمان می‌افتد، اما خیلی زود، آن پشت‌گوش می‌اندازیم. تازه، مضمونی هم برای آن کوک می‌کنیم و به‌نوع «نشانی آخرالزمان»^۳ اش می‌شناسیم، که این هم البته نوعی پشت‌گوش انداختن ماجراست.

یا این‌که ماجرا را می‌بینیم، اما با آن به‌هایی دل‌خوش‌کنک از آن می‌گذریم و می‌گوییم بشر زیرک است و چه بسا اجزات فزاورانه آتی بتواند گاز کربن را بی‌هیچ خطری از آسمان بمکد یا سحر و جادویی آتش خورشید را سرد کند! همین رویکرد هم، که من در مراحل پژوهشی این کتاب به آن رسیدم، نوعی پشت‌گوش انداختن مسئله است.

یا این‌که حواس‌مان جمع است، اما می‌کوشیم زیادی سیاسی و منطقی باشیم^۴ (با حسابی سرانگشتی هم نفع‌مان را در این می‌دانیم که حواس‌مان کمتر به توسعه

۱. Donald Trump: رئیس‌جمهور آمریکا در زمان انتشار این ترجمه، از منکران سرسخت نقش بشر در تغییرات اقلیمی که آمریکا را از معاهده آب‌وهوایی پاریس مصوب کنفرانس تغییر اقلیم سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۵ خارج کرد. — م.

۲. Tea Party: جنبش سیاسی در آمریکا که به‌خاطر مواضع محافظه‌کار و اثرگذار آن بر حزب جمهوری‌خواه شهرت دارد و خواهان کاستن از دیون ملی آمریکا، کسری بودجه فدرال از راه کاهش هزینه‌های دولتی و مالیات‌هاست و نیز مخالف برنامه‌های سراسری دولتی از قبیل بهداشت و درمان همگانی، جنبش تی‌پارتی را ترکیبی از فعالان اختیارگرا (libertarian)، توده‌گرا (populist)، و محافظه‌کار (conservatist) می‌دانند. — م.

۳. انگار وقتی آب از سرمان گذشت، چند سکه بیشتر در جیبمان دردی از ما درمان می‌کند. — م.

اقتصادی باشد تا تغییرات آب و هوایی، و ثروت را بهترین حفاظ در برابر افزایش و کاهش شدید آب و هوا می شناسیم.^۱

باز می شود گفت که حواسمان جمع است، اما به خودمان می قبولانیم که گرفتاری و مشغله مان بیش از آن است که روزگاران را با دلشوره مسئله ای بعید و نه چندان ملموس تلخ کنیم - حتی چنانچه سیلاب ها را در تونل های قطار زیرزمینی نیویورک یا حضور مردم را روی پشت بام هایشان در نیواورلئان^۲، با دو چشم ببینیم و دلمان هم از بابت ایمنی هیچ کس قرص نباشد. این نیز، هر قدر قابل فهم، نوعی دیگر از پشت کردن به مسئله است.

شاید حواسمان جمع باشد، اما پیش خود بگوئیم ما فقط توان و امکان پایدن خودمان را داریم - ما^۳ و سواس به خرج می دهیم و تنها از بازارهای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی سرگرد می کنیم، یا اصلاً عطای راندگی را به لقای آن می بخشیم. در هر صورت تید بر آختن هر قدمی را برای تغییر نظام هایی که در نهایت سرمان را به سنگ بحران می نویسند، زنییم. فلسفه مان هم این است که امواج انرژی های منفی^۴ هر قدمی را در این مسیر در هر حال و شرایطی به بن بست خواهند کشاند. از آن جا که بسیاری از تغییرات در یک زندگی در واقع بخشی از راه حل اند، چه بسا واقعییتی نیز در این پایدن ها باشد اما با چنین رویکردی هم هنوز یک چشممان را کاملاً بسته نگاه داشته ایم.

شاید هم هر دو چشم مان باز باشد، اما دچار فراموشی شده ایم. چاره ای هم نداریم. فکری به ذهنمان می رسد، اما باز هذر می رود و در با مان نمی ماند. دگرگونی اقلیم نیز از همین جنس است و خیلی در ذهن و فکرمان ماندگار نیست اما با دلایلی کاملاً منطقی درگیر شکل و گونه غربی از نوعی نسیان بوم شناختی^۵، با است و خیز دائم، نیز هستیم. انکارش می کنیم، چون ترس از آن داریم که یکسره تن دادن به کنه و واقعیت این بحران همه چیزمان را زیرورو کند. حق هم داریم. (۵)

البته این را هم می دانیم، که اگر همچنان با چشم بستن بر فرایند فزاینده انتشار گازها - که سال به سال هم بیشتر می شود - همین جا که هستیم بمانیم و همین راه را

۱. اتفاقاً اگر خوره سیاست باشید این هم راهی برای پشت گوش انداختن ماجراست. - م.

2. New Orleans

3. ecological amnesia

ادامه دهیم، تغییرات آب‌وهوایی همهٔ دنیای‌مان را زیرورو خواهد کرد. شهرهای بزرگ‌مان احتمالاً زیر آب خواهد رفت، دریاها تمدن‌های دیرین‌مان را خواهد بلعید، و با احتمال خیلی بالا، فرزندان‌مان بخش‌های عمده‌ای از عمرشان را در جنگ و گریز با توفان‌هایی مهلک و خشکسالی‌هایی بی‌حد و مرز خواهند گذراند. برای چنین آینده‌ای لازم نیست قدمی برداریم. تنها کاری که باید بکنیم این است که هیچ کاری نکنیم! کافی است همان کاری را بکنیم که هم‌اینک مشغول آنیم — چه پشتمان به فشاری گرم باشد، چه سرگرم باغ و باغچه‌مان باشیم، یا همچنان در گوش خودمان بخوابیم که متأسفانه بیش از آن گرفتاریم که به فکر چنین مسائلی بقیتم.

کاری که بکنیم نه واکنش به آن به‌عنوان بحرانی تام و تمام، که همچنان انکار و لاپوشانی ترس است که واقعاً در دل داریم. به این ترتیب، قدم به قدم، به همان نقطه‌ای خواهیم رسید که بیش از هر چیز از آن در هراسیم؛ همان چیزی که چشم بر آن بسته و پشت‌گم‌ش‌انده‌ایم. لازم نیست هیچ قدم دیگری برداریم.

ایستادن در برابر آینده‌ای این چنین تیره‌وتار، با دست‌کم کاستن از تاریکی و هراس آن، راه‌هایی نیز دارد اما نکتهٔ آنجاست که اقتضای همین راه‌ها نیز زیرورو کردن همه چیز است — از جمله برای آدم‌های پای‌دریند مصرف، تغییر شیوه زندگی‌مان، عملکرد اقتصادمان، و حتی تفسیر بایمان از جایگاهمان در زمین. خبر خوب این‌که بسیاری از این دگرگونی‌ها لزوماً اجبار نیستند. بسیاری از آن‌ها خیلی هم مهیج‌اند. با وجود این، من خود مدت‌ها از آب و هوا بی‌خبر بوده‌ام.

لحظه‌ای را که جلوی چشم‌بستنم بر تغییرات آب و هوا را این ایستادم دقیقاً به‌خاطر دارم؛ یا دست‌کم آن لحظه را که فرصتی برای تأمل بیشتر در این باره به خود دادم. آوریل ۲۰۰۹ بود. در ژنو بودم و در آن‌جا فرصتی دست داد برای دیداری با سفير بولیوی در سازمان تجارت جهانی^۱ — خانمی بسیار جوان به‌نام آنجلیکا ناوازو یانوس^۲. بولیوی کشوری است فقیر با بودجه‌ای اندک برای مسائل بین‌المللی. خانم سفير، علاوه بر مسئولیت‌های معمولش، پی‌گیری مسئلهٔ آب و هوا را نیز برعهده داشت. سر میز ناهار در رستورانی چینی، که جز ما دو تن مشتری دیگری نداشت، برایم توضیح داد (در همان حالی که از چوبک‌های غذاخوری سنتی رستوران برای

رسم نمودار پراکنش گازهای جهانی استفاده می کرد که او تغییرات اقلیمی را برای کشورش هم تهدید می داند، هم فرصت.

دلیل تهدید بودن آن روشن است: بولیوی برای تأمین آب شرب و کشاورزی خود به شدت به یخچال های طبیعی وابسته است. اما کوه های سفید مشرف بر پایتختش با شتابی نگران کننده در حال تغییر رنگ اند و کم کم در حال خاکستری و قهوه ای شدن. فرصتی هم که ناوازو یانوس از آن یاد می کرد سهم نبودن کشورهای چون کشور او در افزایش گازهای جهانی بود. این کشورها به همین دلیل در فهرست کشورهای «بستانکار آب و راه»^۱ را گرفته اند و مشمول حمایت های مالی و فناوری منتشرکنندگان بزرگ این گازها می شوند، تا به این ترتیب بتوانند هم از پس هزینه های سنگین مبارزه با این فجایع بیشتر اقلیمی را بیاورند، هم قدمی در راه تولید انرژی سبز بردارند.

او در همان آن حربه دیپلماتیسی از سوی سازمان ملل متحد درباره آب و هوا، به جریان منابعی از این بیل بپاش کرده و در آن گفته بود (نسخه ای از سخنرانی اش را نیز به من داد):

میلیون ها نفر، در جزایری کوچک، در کشورهایی با پایین ترین سطح توسعه، محصور در خشکی، و همچنین جوامع آسیب پذیر در برزیل، هند، چین و دیگر نقاط جهان با پیامدهای مشکلی دست پنجه نرم می کنند که خود سهمی در آن نداشته اند... تبلور عزم ما برای مهار انتشار گازهای دهنده آبی محتاج بسیجی عظیم است؛ عظیم تر از هر زمانی در طول تاریخ. نیازمند برنامه ای مثل برنامه مارشال^۲ هستیم و این بار برای کل زمین. برنامه جدید ما، سال ۲۰۱۵ باید زمینه تأمین و جابه جایی منابع مالی و فناوری را در مقیاسی بی سابقه فراهم سازد. بهره گیری عملی از فناوری در همه کشورها باید ضامن کاهش انتشار گازها را به موازات آن، ارتقای کیفیت زندگی سکنه این کشورها باشد. برای این کار بیش از یک دهه فرصت نداریم. (۶)

۱. climate creditor

۲. Marshal Plan: طرح امریکا برای کمک به بازسازی اروپا در پی جنگ جهانی دوم، که در آن این کشور ۱۷ میلیارد دلار (تقریباً بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار به ارزش کنونی دلار) برای ترمیم اقتصاد جنگ زده اروپا اختصاص داد. -م.